

خلاصه درس مقدمه علم حقوق

مدرس : م- صفاری پژوه

حقوق ، جمع حق و به معنی عدالت ، راستی و هر شئی در جای خود بودن است.

حقوق مجموعه قواعد و مقررات الزام آوری است که تنظیم کننده و حافظ روابط حقوقی میان اشخاص است .

هدف از اجرا کردن قواعد حقوقی در جامعه شامل: ۱-نظم ۲-اجرای عدالت ۳ - نیاز جامعه ۴- پیشرفت و یا آرامش قاعده ای است کلی و الزام آور که توسط دولت وضع و به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی اشخاص حکومت می کند و اجرای آن توسط دولت تضمین می شود. مانند: نفقه و حکمی که درباره آن صادر می شود قاعده حقوقی می نامند.

یک قاعده حقوقی و قانونی ، از ویژگی های زیر برخوردار است:

- ۱- الزام آور باشد ، توصیه ای نیست و امری است: اگر یک قاعده حقوقی الزام آور نباشد چگونه می تواند به اهداف خود در جامعه برسد و البته قواعد اخلاقی و دینی الزام آور نیستند مانند: پرداخت نفقه به زوجه.
- ۲- ضمانت اجرای را داشته باشد: ضمانت آن توسط دولت تضمین شده باشد برخلاف دستورات مذهبی دارای ضمانت اجرایی در دنیا است مانند: کیفر دادن (تبعید، شلاق، حبس، جریمه). اجرای مستقیم قاعده (بطلان اعمال عمومی، مسئولیت مدنی).

۳- کلی و عام باشد: لازمه عدالت، مصداق داشتن قانون بر همه اشخاص است. هر چند برخی قوانین موضوعی و خاص است (مانند نکاح). ام این قاعده برای همه خانواده هاست. قانون بالای همه اشخاص جامعه یک سان باشد یعنی فقط به خاطر یک شخص وضع نشده است زیرا نمی توان برای هر شخص قانون خاصی تصویب نمود. البته مهم نیست که قانون فقط برای بخشی از اشخاص وضع شود مثلاً قانون ریاست جمهوری بلکه کلی است یعنی هر کس که رئیس جمهور شد قانون شامل او نیز می باشد و بر اساس همین ویژگی دولت مکلف است هر روز قوانین جدید را نشر کند و از طرفی دیگر همه باید از قانون با خبر شود. (یعنی غفلت از قانون عذر پنداشته نمی شود).

۴- دارای مفهوم اجتماعی می باشد: این حق برای تنظیم روابط افراد است و حقوق فردی و

اجتماعی را به وجود می آورد.

حقوق برای تنظیم روابط میان اشخاص وضع شده است فعالیت های اجتماعی افراد را تنظیم می کند . در واقع بر اساس نیاز اجتماعی قواعد حقوقی شکل می گیرد.

انواع ضمانت اجرا در حقوق متفاوت هستند : الف- کیفری ب- مسئولیت مدنی پ - فیصله یا اجرا توسط

دادگاه ت- بطلان توافق

مهم ترین منابع حقوق شامل:

۱- قانون ۲- عرف ۳ - رویه قضایی ۴- عقیده علمای حقوق یا دکترین حقوقی

❖ **۱- قانون:** مهم ترین منبع حقوق در کشور ها قانون است.

تعریف قانون: قانون در لغت به معنی اندازه ، خط کش و معیار است اما در اصطلاح حقوقی به سه معنی می باشد.

تقسیمات و انواع قانون:

۱- **قانون اساسی** : بالاترین قانون در کشور قانون اساسی است و هیچ قانونی نمی تواند در مخالفت با آن باشد. قانون اساسی هم نمی تواند در مخالفت با شریعت و اخلاق حسنه باشد. به قانون اساسی قانون مادر هم گفته می شود . به این معنی که قوانین عادی از آن ناشی می شود.

تغییر قانون اساسی با همه پرسی (رفراندوم) انجام می شود. همه پرسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا یک صد نفر از نمایندگان مجلس پیشنهاد می گردد که به تصویب دو سوم از نمایندگان مجلس برسد. قانون اساسی که از نظر سلسله مراتب در راس همه ی قوانین قرار دارد، مهم ترین منبع قواعد حقوقی، مبنای اقتدار حکومت، منشأ صلاحیت نهادهای دولتی، و اختیار قوه مقننه برای وضع قانون است. قانون اساسی ایران در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۸ بازنگری شد.

۲- **قوانین عادی**: بر اساس ماده ۱۷۷ قانون اساسی ایران به مصوبات مجلس شورای اسلامی که به تایید شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور برسد قانون گفته می شود. تصویب قوانین عادی نباید در مخالفت با قانون اساسی ، شریعت و اخلاق حسنه باشد. معاهدات بین المللی هم که ایران به آنها ملحق یا مصوب می نماید، در صورتی اعتبار دارند که مجلس شورای اسلامی هم آنها را تایید کند.

برابر ماده ۹ قانون مدنی ایران اعتبار این معاهدات معادل قوانین عادی است.

۳- **تصویب نامه ها و مقررات دولتی**: به مقرراتی اند که توسط قوه مجریه برای اجرای قانون در سازمان و ادارات دولتی ایجاد می شود گفته می شوند. مقررات دولتی مرجع ایجاد آن قوه مجریه می باشد اما مرجع قوانین عادی، مجلس شورای اسلامی است. قوانین عادی را فقط می توان در مجلس شورای اسلامی نسخ نمود در حالی که مقررات دولتی را هم دولت و هم شورای اسلامی و هم به درخواست مردم قابل نسخ یا ابطال است. این قوانین شامل:

۱- تصویب نامه ها (مصوبات هیئت وزیران است).

۲- آیین نامه (تصویب نامه مقررات اجرایی می باشد).

۳- بخش نامه

۴- دستورالعمل

برابر قسمت دوم اصل ۸۵ قانون اساسی ایران مجلس اجازه دارد تصویب دایمی اساسنامه سازمان ها، شرکت ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون های داخلی خود یا دولت واگذار کند. این مصوبات نیز نباید مغایر با اصل و احکام رسمی کشور یا قانون اساسی باشد. تشخیص آن با شورای نگهبان است.

مراحل وضع قانون:

قانون به صورت طرح یا لایحه به صحن مجلس آمده و تصویب می شود:

طرح: طرح های قانونی با امضا و ذکر نام حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان در مجلس به رئیس تسلیم می شود و پس از اعلام وصول و قراعت عنوان آن توسط رئیس مجلس یا یکی از منشیان در همان جلسه به کمیسیون های مربوطه ارجاع می شود. (اصل ۷۴ قانون اساسی ایران و مواد ۱۳۰ الی ۱۳۳-آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)

لایحه: لایحه قانونی از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می شود که باید به امضای رئیس جمهور و وزیران یا وزرای مسئول رسیده باشد. پس از اعلام وصول و قرائت عنوان آن توسط رئیس مجلس یا یکی از منشیان در همان جلسه به کمیسیون های مربوط ارجاع می شود. (مواد ۱۳۴ الی ۱۳۹ همان آیین نامه)

* لازم به ذکر است یک نسخه از کلیه طرح ها یا لایحه که تقدیم مجلس می شود پس از اعلام وصول، در اختیار مطبوعات قرار می گیرد. (ماده ۱۳۹ همان آیین نامه)

وضع قانون سه مرحله ی گوناگون دارد

که پس از گذاشتن از این مرحله به صورت قاعده حقوقی در می آید و اجرای آن برای همگان الزامی است.

مرحله اول: تصویب قانون: مطابق فصل ششم قانون اساسی، قانون گذاری از اختیارات مجلس شورای اسلامی می باشد. برابر اصل چهارم، وضع قوانین در ایران نباید خلاف معتقدات و احکام دین اسلام باشد.

مرحله دوم: امضای قانون (توشیح): قانون پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان که به مدت ۱۰ روز فرصت بررسی، قبول یا رد آن را دارد وقتی قابل اجرا است که به توشیح رئیس جمهور برسد. توشیح عملی حقوقی است و به خاطر تفکیک قوا صورت می گیرد، در واقع ایجاد قانون، صلاحیت قوه مقننه است اما اجرای قانون صلاحیت و تکلیف قوه مجریه است، با این عمل، دولت در واقع اعلام می کند که قانون را دریافت کرده است و به ادارات ابلاغ و آن را اجرا می کند. رئیس جمهور نمی تواند قانون مصوب را رد کند و می بایست ظرف مدت ۵ روز آن را امضا نماید، در غیر این صورت بدون توشیح رئیس جمهور، ریاست مجلس آن را امضا و جهت درج در روزنامه رسمی کشور ارسال می کند. برابر ماده ۱ قانون مدنی، روزنامه رسمی نیز ظرف ۷۲ ساعت می بایست آن را انتشار دهد و آن قانون پس از ۱۵ روز لازم الاجرا می شود.

مرحله سوم: در لزوم انتشار قانون: در این رابطه شک و تردیدی نیست زیرا در صورتی می توان انتظار اجرای قانون را داشت که مفاد آن منتشر و به اطلاع عموم برسد تا اشخاص حقوق و تکالیف خود را بدانند. چگونه می توان اشخاص را به لحاظ تخلف و سرپیچی از قانون مجازات کرد بدون آن که تصویب قانون به اطلاع عموم رسیده باشد؟ بنابراین لازمه ی اجرای قانون، انتشار آن است. بر اساس ماده دو قانون مدنی ایران، قانون باید حتما به نشر و اطلاع عموم برسد. مهلت نشر آن ۷۲ ساعت پس از ارجاع به روز نامه رسمی است و پس از سپری شدن ۱۵ روز از انتشار آن در روز نامه رسمی کشور، آن قانون در حکم اعلان رسمی و لازم الاجرا می گردد. اصطلاح معروفی است که می گوید «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» و آن زمانی است که قانون به صورت فوق انتشار و مواعد قانونی آن سپری شده باشد.

درجه اجبار قانون:

قوانین از لحاظ درجه اجبار قانون به دو دسته تقسیم می شوند:

۱-قوانین امری: یکی از اوصاف قوانین، امری بودن آن است که گاه از جهات و مبانی قانون چنان مهم است که قانون گذار به اشخاص اجازه نمی دهد بر خلاف آن تراضی کند.مانند: تکالیف زوج و زوجه نسبت به یکدیگر. یا رعایت عده وفات و طلاق برای زنان و یا قوانین کیفری. (ماده ۱۰ قانون مدنی)

۲-قوانین تکمیلی (تفسیری): گاهی قانون گذار می خواهد اراده ضمنی طرفین قرارداد را بیان کند به طوری که برای او مفید تر باشد اجازه انعقاد قراردادی خلاف قواید غیر امری را می دهد.مانند: خیارات. فایده این تجویز قوانین، ایجاد راه حل های عرفی و عادلانه و انعقاد قرارداد است. (مواد ۳، ۴، ۸، قانون آیین دادرسی مدنی)

تفاوت قوانین امری و تکمیلی: در این است که قوانین دسته نخست مطلق ایجاد الزام می کند ولی اجبار ناشی از دسته دوم مشروط بر این است که از پیش خلاف آن تراضی شده باشد.

ضابطه تمیز قانون امری از قانون تکمیلی:

هرگاه قانون مربوط به نظم عمومی باشد امری است و در صورتی که هدفش حفظ منافع شخص باشد تکمیلی است.مانند: ماده ۹۷۶ قانون مدنی و اصل یک صد و شصت و نه قانون اساسی ایران.

قاعده عطف به ما سبق نشدن قوانین

این اصل به ما می گوید: «قانون به آینده اثر ندارد نه به گذشته» (ماده ۴ قانون مدنی). البته این قاعده استثنایی نیز دارد و آن این است که پیش بینی اثر قانون نسبت به گذشته در خود قانون آمده باشد.

در دو صورت قانون عطف به ما سبب می شود.

۱-در صورتی که قانون جدید مبنی بر تخفیف یا برداشتن مجازات نسبت به جرم می باشد.

۲-قانون جدید از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد.

نسخ قوانین

تعریف نسخ: نسخ قانون عبارتست از: خاتمه دادن به اعتبار و اجرای یک قانون به وسیله مقامات صلاحیت دار به دلایل مختلف از جمله:

۱-عدم انطباق قانون با تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره.

۲-لزوم تجدید نظر و اصلاح قانون موجود مضر یا بدون اجرا بودن آن و از این قبیل.

لازم به ذکر است نسخ در قوانین دایمی امکان پذیر است و در قوانین موقت نیازی به نسخ قانون نداریم. نسخ سلب اعتبار قانون نسبت به آینده است مگر در خود قانون اشاره به موثر بودن آن قانون نسبت به گذشته کند.

نسخ بر دو نوع است:

۱-نسخ صریح: در خود قانون قانون قبلی را نسخ می کند.مانند: ماده ۳۲ قانون روابط مالک و مستاجر که می گوید از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات قبلی فاقد اعتبار است.

۲- نسخ ضمنی: قانون قبلی را صریحا نسخ نمی کند ولی مقررات جدید با مقررات قبلی مغایرت دارد و آن قانون را از اعتبار می اندازد. نسخ صریح با نسخ ضمنی در اثر با یکدیگر تفاوتی ندارند.

تفاوت نسخ و ابطال قانون: نسخ سلب اعتبار قانون نسبت به آینده است در صورتی که ابطال سلب اعتبار قانون از زمان تصویب به گذشته است، بنابراین اثر نسخ نسبت به آینده است و اثر ابطال نسبت به گذشته.

❖ ۲- عرف:

تعریف عرف: عرف در لغت به معنای معرفت و شناسایی است و پس از آن به معنی چیزی که در ذهن شناخته شده و مانوس و مقبول خردمندان است به کار رفته است. هرگاه قاعده حقوقی بدون دخالت قانون گذار وضع و به تدریج بین مردم یا گروهی از آن ها رایج شود به آن قاعده عرف، یا قاعده عرفی گویند. مثل عرف های تجارتي که میان تجار قرار دارد. در قانون مدنی ایران و در مواد ۲۲۵، ۲۲۴ و ۳۸۲ عرف را مقدم بر قانون دانسته.

❖ ۳- رویه قضایی:

تعریف رویه قضایی: هرگاه در اثر تکرار یا اعتبار قانونی رای صادره، تفسیر دادگاه از قانون برای صدور رای به صورت راه حلی ثابت و الزام آور درآید، به آن رویه قضایی گویند. رویه قضایی با این مشخصات یک قاعده حقوقی و از مصادیق «فتاوی معتبر» موضوع ماده ۳ قانون آ.د.ع.ا در امور مدنی بوده، می تواند در صورت نقص، اجمال، تعارض یا سکوت قانون مورد استناد قرار گیرد. به این اعتبار می توان گفت: هرگاه عقاید علما نتیجه تفسیر قانون بوده و در بین حقوقدانان از ثبات لازم برخوردار شود، چنین تفسیری از قانون رویه حقوقی است. به عبارت دیگر، اظهار نظر صرف درباره مسایل حقوقی موجب نمی شود تا رویه حقوقی به وجود آید، بلکه ثبات تفسیر و قبول آن در بین حقوقدانان به عنوان یک قاعده حقوقی، شرط ایجاد آن است.

❖ ۴- اندیشه های حقوقی (دکترین):

تاریخ حقوق نشان می دهد که نه تنها بسیاری از قواعد حقوقی با الهام از نظرات و اندیشه های علمای حقوقی ساخته شده، بلکه ین عقاید گاه موجب تغییر نظام حقوقی کشورها و حتی رهایی بشریت از ظلم و ستمی شده که به نام عدالت به اجرا در می آید. قواعدی مثل قانونی بودن جرم و مجازات، لزوم اعلام قبلی عمل مجرمانه و مجازات آن، مخالفت با استبداد رای و اختیار وسیع و نامحدود قاضی، احتراز از مجازات سنگین و توأم با زجر و شکنجه، لزوم تناسب مجازات ها با خطری که جامعه را تهدید می کند، لزوم رعایت عدالت هرچند به طور نسبی، و در اعمال مجازات ها در نظر گرفتن مجازات خفیف تر برای شروع به جرم، مخالفت با شکنجه و آزار محکومان، لزوم یکسان و یکنواخت و ساده و قابل درک بودن قوانین برای عموم مردم، خودداری از ضبط اموال محکومان به لحاظ جلوگیری از به خطر افتادن زندگی اطفالی که والدین آنها مرتکب جرمی شده اند، تاثیر نهایی مجازات معتدلی که مسلم و حتمی باشد نسبت به مجازات سنگینی که امکان فرار از آن وجود دارد، حاصل اندیشه های نویسندگانی مانند ولتر و بکاریا است. نظراتی که به تدریج جای خود را در قوانین کیفری کشورهای مختلف باز کرده و هم اکنون در قوانین بسیاری از کشورها به آن عمل می شود.

اندیشه های حقوقی (دکترین حقوقی) به مجموعه عقایدی که در باب توجیه و بیان و تفسیر قواعد حقوق از طرف دانایان فن اظهار شده است «اندیشه های حقوقی» یا «عقاید علما» نامیده می شود.

این اندیشه ها به وسایل گوناگون ابراز می شود. استادان در درس، وکلای دادگستری در دفاع خود بیان می کنند، نویسندگان در کتاب ها و مقاله ها و یادداشت های علمی می نویسند، سردفتران و مشاوران حقوقی در تنظیم اسناد معامله نتایج آن را به کار می برند، و گاه نیز در مجامع علمی و بین المللی به صورت سخن رانی ایراد می شود. در واقع همان گونه که دادرسان به طور رسمی معنی درست قواعد را معین می سازند، اندیشمندان حقوق نیز با طرح پیشنهادهای تازه و نقد آرای محاکم و نشان دادن مصالح و مفاسد قوانین و دسته بندی کردن آرا و اصول عرفی و مورد احترام قانونگذار، در این تلاش علمی و فنی شرکت می کنند. با این تفاوت که نظرهای ایشان جنبه رسمی ندارد و قدرت سیاسی دولت از آن حمایت نمی کند و به همین دلیل است که پاره ای از نویسندگان عقاید علما را «ادبیات حقوقی» نامیده اند.

مفهوم حق

حق امری است اعتباری که دولت پذیرفته و از آن حمایت می کند. آن چه در برابر حق قرار گیرد «تکلیف» و آن چه این دو را به هم می پیوندد «رابطه حقوقی» است.

با توجه به اعتباری بودن حق و لزوم حمایت دولت از آن، ممکن است امری در یک زمان حق باشد و در زمان دیگر حق نباشد، مثل داشتن القاب که زمانی یکی از حقوق بود و امروزه فاقد اعتبار قانونی است و رای دادن زنان که سابقاً حق نبود ولی امروزه حق قانونی زنان است.

اقسام حق

حق به اعتبار موضوع آن سه قسم است:

الف- حق مالی: و آن حقی است برای رفع نیازهای مادی شخص، این حق دارای فروش مالی و قابل تقویم به پول است و از این جهت ارزش داد و ستد دارد، مثل حق مالکیت و حق طلب کار بر بدهکار خود.

تعریف حق مالی و ویژگی های آن:

حق مالی امتیازی است که به موجب قواعد حقوقی به منظور رفع نیازهای مادی شخص به او داده شده است؛ حقی است قابل مبادله، دارای ارزش مالی و قابلیت تقویم به پول. حق مالی به دو دسته حق عینی و حق دینی تقسیم می شود.

حق عینی حقی است که شخص نسبت به عین خارجی پیدا می کند. و حقی است مطلق و دارنده حق می تواند مستقیم و بی واسطه آن را در برابر همه اعمال کند مانند حق مالکیت نسبت به مایملک خود. این حق برای همه ایجاد تکلیف می کند و این تکلیف عبارت از محترم شمردن حق و خودداری از تجاوز به آن.

به کسی که این تکلیف بر عهده اوست «مکلف» گویند.

حق دینی حقی است که شخص نسبت به شخص دیگر دارد و دارنده حق می تواند انجام کار، یا انجام ندادن کار و یا دادن مالی را از کسی درخواست کند. شخصی که این تکلیف بر عهده اوست حسب مورد «متعهد، ملتزم، یا مدیون» نامیده می شود.

ویژگی های حق مالی

۱- قابلیت استفاده و استعمال - دارنده حق مالی می تواند از حق متعلق به خود استفاده کند یا آن را معطل گذارد.

- ۲-قابلیت انتقال-این قابلیت یا ارادی است و یا غیر ارادی. زیرا هم دارنده حق می تواند آن را انتقال دهد. مانند انتقال عین یا منافع ملک، و در مواردی بدون اراده دارنده حق قهراً منتقل می شود مانند انتقال ناشی از ارث.
- ۳-قابلیت اسقاط- دارنده حق مالی می تواند آن را اسقاط کند مانند ابراه دینی که بر عهده بدهکار است.

ب-حق غیر مالی:و آن حقی است برای رفع نیازهای عاطفی شخص، این حق، بر خلاف حق مالی، خود ارزش مادی و قابلیت داد و ستد ندارد، ولی گاه دارای آثاری است که می تواند ارزش مالی داشته باشد، مثل حق زوجیت که دارنده آن می تواند به استناد حق خود، درخواست نفقه کند.

ویژگی های حق غیر مالی

حق غیر مالی هم مثل حق مالی، امتیازی است که قانون برای شخص قائل شده، با این تفاوت که بر خلاف حق مالی که به منظور رفع نیازهای مادی شخص است، هدف از حق غیر مالی رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی او است. حق غیر مالی که بر روابط اشخاص حکومت می کند قابل تقویم به پول نیست، مال حق زوجیت، حق وراثت، حق فسخ، حق ابوت، حق بنوت، حق حضانت، حق آزادی بیان و غیره. هرچند این حق فاقد جنبه مالی است و نمی توان آن را به وسیله تحصیل مال قرار داد، در بعضی موارد دارای اثر مالی است، مثل وراثت که اثر آن تملک مالی است که ب ارث می رسد. بعضی از این حقوق موقتی و قابل زوال است، مثل حق زوجیت که با طلاق زائل می شود، و برخی دیگر دائمی است و قابل زوال نیست، مثل حق ابوت و حق بنوت. نویسندگان تقسیم بندی خاصی از حقوق غیر مالی به عمل نیاورده اند و بعضی از حقوقدانان علت آن را امری بودن قوانین حاکم بر این حقوق دانسته اند.

پ-حق معنوی:

حق معنوی قسم دیگری از حق است که دارای هر دو جنبه مالی و غیر مالی است. موضوع این حق، بر خلاف سایر حقوق نه عین خارجی است و نه حق بر دیگری، بلکه حقوق بر ابتکار و تراوش فکری است و به همین اعتبار به آن «حقوق معنوی» گویند. مانند: حق تالیف، حق اختراع، حق اکتشاف، حق بر علائم تجاری و صنعتی و غیره.

با توجه به این که حق معنوی حقی است مختلط از حق مالی و حق غیر مالی، دارنده این حق می تواند آن قسمت از حق خود را که دارای جنبه مالی است انتقال دهد، بدون این که به جنبه غیر مالی حق او لطمه ای وارد شود، مثل مولفی که حق انتشار اثر خود را به دیگری واگذار می کند، ولی این حق برایش باقی است که از انتقاد دیگران نسبت به آن دفاع و از اقتباس و تقلید آن توسط سایرین جلوگیری کند. جنبه مالی حق معنوی به وراثت منتقل شده و وراثت می توانند از مزایای مالی آن استفاده کنند ولی جنبه غیر مالی این حق اختصاص به دارنده، آن داشته و جزئی از شخصیت اوست. به همین جهت مولف و مخترع می توانند اثر خود را تغییر دهند و یا آن را از بین ببرند، ولی وراثت او چنین اختیاری ندارند، بلکه تنها حق برخورداری از مزایای مالی اثر مورث خود را دارند.

حق معنوی که مخلوطی است از حق مالی و حق غیر مالی، مثل حق مولف بر تالیف خود، حق مخترع بر اختراع خود و حق هنرمند بر اثر هنرمند بر اثر هنری خود.

پس وجه تمایز حقوق مالی از حقوق غیر مالی یعنی ارزش مالی حق، مطلق نبوده، یعنی این حقوق بیشتر جنبه مالی دارد و بعضی کمتر.

در صورت غلبه جنبه مالی حق، آن را حق مالی و در صورت غلبه جنبه غیر مالی حق، آن را حق غیر مالی می نامند.

**** * حق مالکیت**

تعریف لغوی حق مالکیت مالکیت کلمه ای است که ریشه در لغت عرب دارد و منشأ آن مال و ملک است. کلمه مالکیت در لغت و ادبیات، مصدر جعلی یا صناعی نامیده شده و به معنای مالک و یا صاحب بودن آمده است و از اسم فاعل ملک، یملک گرفته شده است. در واقع مالکیت چگونگی ارتباط اسب، منزل و اتومبیل یا شخص را توصیف می کند.

تعریف حقوقی مالکیت

با وجود این که قانون مدنی در موارد و مواضع متعددی از جمله در مواد ۲۹۰، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۱۴۲، ۱۶۶، ۲۶۴ «کلمه مالکیت» را به کار برده و در سایر قوانین نیز لفظ مالکیت به کار رفته است، ولی قانون گذار ایران، تعریفی از مالکیت ارائه نداده است. تعریفی که فقهای امامیه از مالکیت و حق ملکیت ارائه کرده اند با اوصاف و تعریف مالکیت مورد نظر حقوق دانان ایران مشابهت فراوانی دارد. از نظر فقهای امامیه، ملکیت یا حق ملکیت عبارت از سلطنت و یا احاطه کسی (مالک) است بر چیزی که مملوک نامیده می شود. در حقوق ایران تعاریف گوناگونی از مالکیت به عمل آمده است.

«مالکیت رابطه ای است حقوقی که به موجب آن، شخص حق دارد در اموال و املاک خود در محدوده قانون تصرف کرده و آن را استعمال یا از آن بهره برداری کند.»

به عبارت دیگر منشأ قلمرو حق مالکیت یا علقه بین شخص و مال یا ملک را در جوامع امروزی قانون مشخص می کند. با این ترتیب حق مالکیت در محدوده ای که قانون ترسیم می کند مورد حمایت است و در واقع در صورت تعارض حق مالکیت شخص با حق قانونی جامعه، حق جامعه بر حق فرد مقدم خواهد بود و در صورت تعارض با حقوق افراد و اشخاص دیگر نیز تحت شرایط قانونی حق مالکیت محدود می گردد.

تعریف حق مالکیت به مفهوم خاص (مالکیت فکری یا معنوی)

مالکیت به مفهوم خاص به آن دسته از مالکیت اطلاق می گردد که از پاره ای جهات و بعضی اوصاف و خصوصیات، یا مالکیت مادی به مفهوم کلی تفاوت دارد و تابع ضوابط و اصول خاصی است. به علاوه چنین مالکی حق دارد از مال یا ملک خود به طور انحصاری استفاده کند و مانع از تصرف و انتقال دیگران از مال خود شود و در برابر تجاوز دیگران، از حمایت قانون گذار برخوردار گردد. خصیصه دیگر مالکیت مادی، دائمی بودن آن است و تا زمانی که موضوع مالکیت از بین نرود، حق مالکیت به قوت و اعتبار خود باقی است. یعنی گذشت زمان یا فوت مالک سبب زوال حق مالکیت نخواهد شد، ولی حق مالکیت به مفهوم خاص از جمله حق مالکیت ادبی یا هنری و صنعتی، از همه خصوصیات مالکیت به مفهوم عام از جمله خصیصه دوام برخوردار نخواهد بود بلکه حق مولف و سایر حقوق مالکیت ادبی، هنری و تجاری، پس از گذشت مدت معین قانونی زایل می شوند و یا در اثر بعضی اقدامات یا تخلفات، اعتبار خود را از دست خواهند داد. علاوه بر تفاوت های اشاره شده، تفاوت دیگر مالکیت فکری و مالکیت مادی این است که شخصیت و معنویت پدید آورنده اثر فکری، از ارکان اساسی مالکیت فکری است ولی در مالکیت، مطلقاً مادی چنین خصیصه ای وجود ندارد. مالکیت فکری یا مالکیت معنوی رابطه حقوقی معنوی و مادی خاصی است بین پدید آورنده اثر و آفریننده فکری که به موجب آن صاحب اثر با حفظ شخصیت و اعتبار معنوی خود حق بهره برداری مادی از آن را در حدود قانون دارد. این تعریف گرچه خالی از ایراد نیست ولی تا حدودی خصوصیات اصلی و اساسی مالکیت فکری را بیان می کند.

مالکیت معنوی اعم از مالکیت فکری، ادبی، هنری، و مالکیت صنعتی است، تعریفی که به عمل آمد شامل تمامی این گونه مالکیت ها است.

حق مالکیت فکری یا معنوی را چنین تعریف کرد:

«حق مالکیت فکری، اقتدار قانونی ناشی از وجود رابطه اعتباری بین اثر فکری و صاحب اثر است که به موجب آن صاحب اثر، در زمان حیات خود و قائم مقام وی، از جمله ورثه قانونی، بعد فوت صاحب اثر تا مدتی معین از حق مادی اثر بهره مند خواهند شد ولی اقتدار و اعتبار معنوی اثر دائمی است».

موضوع حق مالکیت

به طور کلی، موضوع حق مالکیت، ممکن است اموال و اشیاء مادی (مانند حق مالکیت) و یا غیر مادی (حق زوجیت) و یا حقوق و امتیازات مالی (مانند حق سرقتی) و غیر مالی (حق ابوت) باشد.

مفهوم حق مالکیت معنوی و پیدایش آن

مالکیت فکری و معنوی مفهومی وسیع و قلمروی گسترده دارد. موضوعات و مصادیق حق مالکیت فکری و معنوی متنوع است. با وجود گستردگی قلمرو مالکیت فکری و تنوع موضوعات آن، به طور خلاصه می توان گفت حقوق مالکانه بر تمامی اموال غیر مادی، نظیر حق کسب و پیشه و کلیه آثار فکری، زیر مجموعه حق مالکیت معنوی قرار دارد ولی آن چه که اکنون مورد بحث ما است و به نام حق مالکیت فکری و معنوی به مفهوم خاص مورد بررسی قرار می گیرد، حق مالکیت فکری یا حق مالکیت ادبی، علمی و هنری و حقوقی هم جوار یا مرتبط به آن خواهد بود.

مفهوم حق مالکیت معنوی

حق مالکیت معنوی به معنای خاص یا مالکیت فکری عبارت است از:

«رابطه حقوقی موجود بین اثر فکری یا آفریننده ذهنی و پدید آورنده آن که به موجب قانون، صاحب اثر، حق بهره برداری

مالی و معنوی از آن را پیدا می کند».

اگر بخواهیم به تفکیک هریک از این حقوق را تعریف کنیم:

«مالکیت ادبی عبارت است از حقی که برای مولف و مصنف نسبت به اثر خود شناخته شده، اعم از این که جنبه علمی یا صرفاً ادبی

داشته باشد» و «مالکیت هنری عبارت است از حق هنرمند نسبت به اثر خود اوست».

تعریف، اهمیت، نقش اصول کپی رایت

اصطلاح حقوق فکری برای نخستین بار سال ۱۸۹۹ توسط پیکار حقوق دانان بلژیکی به کار رفته و برخی از حقوق دانان نیز به جای اصطلاح مالکیت های غیر مادی، «حقوق بر اموال غیر مادی» و «حقوق جلب مشتری» را به کار برده اند.

گرچه امروزه تعریف واحدی در مورد حقوق نویسندگان وجود ندارد، اما مشروعیت کپی رایت از سوی همگان مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون کپی رایت در دنیای پیچیده ارتباطات مدرن، نقشی عمده را ایفا می کند. این قانون، سنگ زیر بنای بشر و چارچوبی حقوقی است که رسانه های ارتباطی می باید در درون آن رشد و توسعه یابند.

در مورد جزئیات این روند تکاملی، اتفاق نظر کامل وجود ندارد. به طور مثال، سرآغاز کپی رایت به اختراع چاپ توسط اروپائیان در قرن پانزدهم مربوط شده است. پیش از آن که منافع مادی نویسنده شناخته شود، منافع معنوی او مورد توجه قرار گرفت. کپی رایت بر این فرض استوار است که هیچ یک از دارایی های فرد به اندازه محصولات فکری اش مختص او نیست. کپی رایت اصرار قانون بر این اصل است که نویسندگان و هنرمندان حق دارند مالک آثار خویش باشند. آنان علاوه بر سهم بودن در منافع ناشی از استفاده عموم از آثار خویش، مستحق حمایت در برابر استفاده غیر مجاز دیگران از آثارشان می باشند.

یک اثر فکری، همزمان نماد شخصیت نویسنده و یک امتیاز اقتصادی است. بنابراین حق نویسنده در مورد اثرش، مشابه حق پدری است.

نظریه بنیادین کپی رایت بر نیاز بشر برای دسترسی به ثمرات دانش و نیز ضرورت تحریک دانش پژوهشی از طریق تشویق پژوهشگران استوار است. به همین دلیل در اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل

رسید، کپی رایت به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شده است. این اعلامیه در ماده ۲۷ این گونه اشعار می دارد:

(۱) هر فردی حق دارد به طور آزادانه در فرهنگ جامعه مشارکت جسته، از هنرهای گوناگون لذت برده و در پیشرفت علمی و منافع ناشی از آن سهیم گردد.

(۲) هر فردی حق دارد از منافع معنوی و مادی ناشی از هر محصول علمی، ادبی یا هنری که خود خالق آن است حفاظت نماید. این رابطه یا سلطه قانون سبب می شود که صاحب اندیشه ابراز شده، بتواند به نحوه انحصاری از آن بهره مادی یا مالی برده و یا بهره برداری از آن را به دیگری واگذار کند، ولی در کنار این امتیاز مادی، حق معنوی دائمی نیز برای وی به وجود خواهد آمد که این حق قابل واگذاری و انتقال به غیر نیست.

مالکیت فکری یا مالکیت ادبی و هنری با این که در مقایسه و مقابله با مالکیت مادی، بسیار جوان و پدیده ای نوپا است، و سابقه وجودی چندان زیادی ندارد ولی با توجه به ارزش مادی و اعتبار معنوی آن، جایگاه خاصی پیدا کرده است به نحوی که بخش مهمی از حقوق مدنی، اقتصادی و سیاسی جهان را به خود اختصاص داده و ارزش و اعتبار بین المللی قابل توجهی پیدا کرده است.

معنای لغوی مالکیت معنوی (فکری)

اندیشمندان درباره تعریف و حوزه شمول آن وحدت نظر ندارند. برخی اصطلاح مزبور را مترادف «مالکیت ادبی» پنداشته و آن را هم عرض «مالکیت صنعتی» به کار برده اند. برخی از حقوقدانان با تعریف حقوق معنوی به «حقوقی که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می دهد»، تعبیر کرده اند. برخی از متخصصان حقوق مالکیت فکری بر این باورند که ارائه تعریف دقیق از مالکیت فکری ناممکن است.

منابع حقوق مالکیت معنوی

حقوق مالکیت معنوی به منابع خارجی (بین المللی) و منابع داخلی تقسیم می شود:

الف- منابع داخلی شامل:

۱- قانون

صرف نظر از مقررات پراکنده ای که در این زمینه وجود دارد چهار قانون رامی توان به عنوان قوانین عمده و قابل استناد در حقوق ایران مورد اشاره قرار داد:

بند ۱- قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸

این قانون اولین قانون جامع در زمینه حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری بوده که خطوط نظام حمایتی ایران را ترسیم کرده و بدون تردید دارای اهمیت فراوانی است.

بند ۲- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی سال ۱۳۵۲

این قانون عمدتاً به حمایت از آثار ترجمه شده و هم چنین تولید کنندگان آواگاشتها یا آثار موسیقایی اختصاص دارد و چنان که گفته شد با هدف رفع نقایص قانون ۱۳۴۸ تدوین شده است. ویژگی مهم این قانون ماده ۳ آن است که به طور مختصر و ناقص از حقوق مجاور شامل حقوق تولید کنندگان آواگاشتها و سازمان های پخش رادیو و تلویزیونی حمایت کرده است.

بند ۳- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای سال ۱۳۷۹ و آیین نامه اجرایی آن، مصوب سال ۱۳۸۳

این قانون با هدف حمایت از پدیدآورندگان برنامه های رایانه ای یا نرم افزار تدوین شده است. قانون سال ۱۳۷۹ بر خلاف راه حل پذیرفته شده در عرصه جهانی، به جای این که نرم افزار را به عنوان اثر ادبی مورد حمایت قرار دهد، سعی کرده از آثار رایانه ای به طور مستقل و منفک از نظام حق مولف حمایت کند.

بند ۴- قانون تجارت الکترونیکی سال ۱۳۸۲

مواد ۷۴، ۶۳، ۶۲ و ۷۶ این قانون به صراحت تلاش کرده از حقوق مالکیت فکری در تمامی ابعاد و در بستر مبادلات الکترونیکی حمایت کند. از این حیث حائز اهمیت فراوان است. با توجه به نواقص موجود در هریک از قوانین پیش گفته، لزوم تدوین قانون جامع حقوق مالکیت فکری احساس شده و با رفع نواقص این قوانین، نظام حمایتی موثر و کارآمدی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری پایه ریزی می شود.

۲- عرف

متأسفانه در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری هیچ عرف مسلمی تشخیص داده نشده است. شاید بتوان عرف موجود در زمینه نشر کتاب و فیلم را مورد اشاره قرار داد ولی ابعاد حقوقی چنین عرفی هنوز ناشناخته است.

۳- رویه قضایی

در حقوق ایران، رویه قضایی مرتبط با حقوق مالکیت ادبی و هنری بسیار نادر بوده و آن چه هم موجود است، تاکنون نشر نیافته و جای تأسف دارد. در واقع دادگاههای اندکی در سراسر کشور برای رسیدگی به دعاوی راجع به حقوق مالکیت فکری به طور کلی وجود دارند که آرای آنها هم به دلایلی که معلوم نیست، منتشر نمی شود.

۴- دکترین (نظریه علمای حقوق)

ادبیات حقوقی کشور در خصوص مالکیت فکری به طور کلی و حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور خاص همانند عرف و رویه قضایی، ناچیز است و جز چند مقاله و کتاب دارای وجهه علمی، نوشته قابل اتکایی در این زمینه وجود ندارد.

ب- منابع خارجی (بین المللی)

کنوانسیون برن (۱۸۸۶) را باید اولین تلاش بین المللی در زمینه یکنواخت و نزدیک کردن نظام های حمایتی از حقوق مالکیت ادبی و هنری دانست که به دفعات مورد اصلاح و بازبینی واقع شده است. دومین منبع مهم بین -المللی، کنوانسیون ژنو (۱۳۵۲) راجع به حق مولف است که با هدف جذب و جلب کشورهایایی که از آثار ادبی و هنری کمتر حمایت می کنند، به امضا رسید. کنوانسیون رم (۱۹۶۱) اولین توافقنامه بین المللی در زمینه حقوق مجاور و مرتبط است که با هدف حمایت از هنرمندان مجری اثر یا مجریان، تولیدکنندگان آواگاشتها و سازمان های پخش رادیویی بین کشورهای عضو امضا شد. در سال ۱۹۷۴ کنوانسیون به منظور حمایت از سیگنال های حامل برنامه ای انتقال یافته از طریق ماهواره مورد توافق قرار گرفت. یکی دیگر از منابع حقوق بین المللی مالکیت ادبی و هنری، دستورالعمل اروپایی حمایت حقوقی از برنامه های رایانه ای مورخ ۱۴ می ۱۹۹۱ می باشد. این دستورالعمل با هدف حمایت از نرم افزارها یا برنامه های رایانه ای در سطح اتحادیه اروپا به تصویب شورای وزیران اروپا رسید.

دستورالعمل مورد بحث دارای ۱۰ ماده است که به ترتیب موضوع حمایت، سمت پدیدآورنده برنامه های رایانه ای، اشخاص مورد حمایت، حقوق انحصاری مورد حمایت، محدودیت و مستثنیات حقوق انحصاری دارندگان حقوق و مقررات خاص حمایتی در آن آمده است.

با تشکیل سازمان تجارت جهانی که (۱۹۹۴) جانشین «گات» شد، در همان سال موافقت نامه ای تحت عنوان «موافقت نامه سازمان تجارت جهانی راجع به جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری مشهور به «تریپس» به تصویب اعضا رسید که حاوی مقررات مهمی در زمینه حقوق مالکیت فکری به طور کلی و مالکیت ادبی و هنری شامل حقوق مولف و حقوق مجاور به طور خاص بود. شایان ذکر است در این زمینه به قوانین دیگری نیز به شرح زیر می توان اشاره کرد:

الف) دستورالعمل هماهنگ سازی برخی قواعد حقوقی حق مولف و حقوق مجاور قابل اعمال به پخش رادیویی از طریق ماهواره و انتقال مجدد از طریق کابل مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۳.

- ب) دستورالعمل هماهنگ سازی مدت حمایت از حق مولف و برخی حقوق مجاور مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۳.
- پ) دستورالعمل حمایت حقوقی از پایگاه های داده مورخ ۱۱ مارس ۱۹۹۶.
- ت) دستورالعمل هماهنگ سازی برخی جنبه های حق مولف و حقوق مجاور در جامعه اطلاعاتی مورخ ۲۲ می ۲۰۰۱.
- حقوق مالکیت معنوی (فکری) دارای دو شاخه ادبی و صنعتی است .**

مصادیق مالکیت معنوی

در شناخت مصادیق این حقوق ، آن را به دوطبقه ی عمده تقسیم می کنند:

الف – مالکیت صنعتی که شامل موارد زیر می شو

- ۱-پاتنت(در فارسی از آن تحت عنوان حق ثبت اختراعات یاد می شود که کاملاً رسا نمی باشد)
- ۲-علائم تجاری
- ۳-طرح های صنعتی
- ۴-علائم جغرافیایی

ب-مالکیت ادبی و هنری

- ۱-آثار ادبی نظیر داستان ها، اشعار ونمایشنامه ها
- ۲-آثار سینمایی وموسیقی
- ۳-آثارهنری مانند طراحی ها،نقاشی ها، عکس ها و مجسمه ها
- ۴- طرح های معماری ۵- حقوق کپی رایت(شامل: حقوق هنرمندان وبازیگران در ا جراهای خود، تولید کنندگان فونوگرام ها و خبرگزاری های رادیویی وتلوویزیونی خود).

حقوق اقتصادی و حقوق اخلاقی مالکیت فکری

معمولاً نظام های مالکیت فکری متضمن دو دسته حقوق برای پدید آورنده هستند،حقوق اقتصادی و حقوق معنوی یا اخلاقی. مهم ترین هدف هر نظام مالکیت فکری، اطمینان دادن به پدید آورنده است که به صورت انحصاری حق استفاده از منافع اقتصادی پدیده ی فکری خود دارد و حقوق از این امر به نحو شایسته حمایت می کند. حقوق اقتصادی مالکیت فکری ناظر به این هدف است و به پدید آورنده حق انحصاری بهره برداری را برای مدت معین اعطا می کند. هم چنین این حقوق،موضوع قواعد و حقوق دیگری مانند حق حمل و نقل و انتقال،ارث،رهن گذاشتن و اعطای مجوز بهره برداری و واقع می شود.این دسته از حقوق «حق نقل و انتقال و...»در حقیقت دامنه حق بهره برداری و استفاده حقوق اقتصادی راه روشن می کند.

حقوق مادی حق مالکیت ادبی و هنری شامل آثار ادبی،هنری و نرم افزاری به طور کلی شامل ۳ مقوله ی اساسی:

- ۱-حق نشر و تکثیر.۲-حق توزیع.۳-حق نمایش است.

البته باید به این موارد حق تعقیب را اضافه کرد(هرچند حق تعقیب در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است).

حقوق اقتصادی مالکیت ادبی

بخش مهمی از حقوق پدید آورنده فکری و ادبی، حقوق اقتصادی است ، این حقوق چه مستقل از حقوق اخلاقی باشد و یا بر حقوق اخلاقی مترتب گردد اهمیت زیادی در نظام مالکیت فکری دارد.این حقوق موقت و قابل نقل انتقال به دیگری است.حقوق اقتصادی

مالکیت ادبی و هنری با توجه به وضعیت و شیوه بهره برداری، دارای مصادیق متعددی است که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

حق نشر و تکثیر

حق نشر و تکثیر از مهم ترین مصداق های حقوق اقتصادی محسوب می شود؛ زیرا اگر چه نشر، ابزار رساندن پیام پدید آورنده به عموم است، منافع اقتصادی زیادی برای ناشر به دنبال دارد. ماده ۳ قانون «حمایت حقوق مولفان و منصفان و هنرمندان» (۱۳۴۸) حق انحصاری نشر را برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته و در ماده ۵ همین قانون استفاده از حقوق مادی، قابل انتقال به غیر قلمداد شده است. همین حق برای پدیدآورندگان نرم افزار رایانه ای نیز به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای حق نشر ... نرم افزارهای رایانه ای متعلق به پدیدآورنده آن است. بر اساس حق مزبور انتقال نسخه اصلی و دست نویس یک اثر به دیگری، مستلزم وجود حق نشر برای خریدار نیست، زیرا خریدار فقط مالک یک مال مادی است و حق نشر و تکثیر به او منتقل نمی شود، مگر این که به موجب قرارداد، این حق نیز به او واگذار شده باشد.

حق ترجمه

ترجمه یک اثر به زبان دیگر، می تواند منشأ درآمد زیادی باشد و نباید به اشخاص اجازه داد که بدون اجازه مولف اثر او را ترجمه و از این راه بهره برداری کنند. از همین رو بند ۵ ماده ۵ قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان ترجمه را از جمله حقوق قابل واگذاری به غیر می داند. بنابراین ترجمه یک اثر از جمله حقوق اقتصادی محسوب شده که به اذن نویسنده نیاز دارد.

حق اقتباس و تلخیص و تبدیل

حق اقتباس و تلخیص و تبدیل به منظور ایجاد یک اثر دیگر، اختصاص به پدید آورنده دارد که منتزع از حق تمامیت اثر است. اقتباس و تلخیص یک اثر مستلزم تغییر اثر است و بدون اجازه پدید آورنده، ممنوع است لیکن پدیدآورنده می تواند در قبال اذن خود، مبلغی را دریافت کند. از این رو اقتباس و تلخیص، یک حق اقتصادی قلمداد می گردد. علاوه بر این، بر اساس بند ۱ ماده ۵ همان قانون، حق مادی تهیه فیلم های سینمایی و تلویزیون و مانند آن و هم چنین طبق بند ۶ ماده ۵، حق استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی را دارد؛ یعنی هرگونه تبدیل اثر که به منظور بهره برداری اقتصادی صورت گیرد، از حقوق اقتصادی پدید آورنده تلقی می گردد و پدید آورنده می تواند در قبال اذن خود، مبلغی را دریافت دارد.

حق استفاده از پاداش و جایزه

چه بسا دولت ها و موسسات غیر دولتی برای ترویج افکار به پدید آورندگان خاص جایزه بدهند، این جایزه به شخص پدید آورنده اثر تعلق دارد و از حقوق او محسوب می گردد. حتی اگر پدید آورنده کلیه حقوق خود را به دیگری واگذار کرده باشد، این حق منتقل نمی گردد؛ زیرا غرض هدیه کننده جایزه این است که جایزه را به پدید آورنده اعطا کند. از همین رو، بر اساس تبصره ماده ۱۳ قانون حمایت مولفان پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون تعلق می گیرد، متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

حق عرضه و اجرا

برخی از پدیده های فکری قابلیت عرضه و اجرا دارند، مثلاً نمایش نامه را می توان به اجرا درآورد و آن را به عموم عرضه کرد. یا یک برنامه موسیقی را به اجرا درآورد. قانون حمایت از مولفان در بند ۳ و ۵ این حقوق را متعلق به پدیدآورنده دانسته و آن را قابل واگذاری به غیر می داند.

حقوق معنوی مالکیت فکری

حقوق اخلاقی و معنوی در حق اختراع بسیار کم رنگ است. تنها حق اخلاقی در اختراعات، ذکر نام مخترع در ورقه اختراع است. بر اساس این ماده، مخترع حق دارد که در ورقه اختراع به عنوان مخترع نام برده شود. در قانون ثبت اختراع ژاپن و ایالت متحده آمریکا این حق باید در گواهی اختراع ذکر شود و قابل اسقاط نیست.

حق افشای اثر

حق افشای اثر، حقی است که نویسنده بر اساس آن درباره زمان، مکان و چگونگی افشای اثر خود به شخص و یا اشخاص تصمیم می گیرد. وجود این حق برای پدیدآورنده، دیگران را از اجبار نویسنده از افشای اثر باز می دارد و هیچ کس نمی تواند پدیدآورنده را به افشای اثر خود مجبور سازد.

به دیگر سخن، پدید آورنده در واقع با واگذاری اجازه اولین نشر به دیگری، اجرای حق افشای اثر خود را به دیگری واگذار کرده است.

این واگذاری بادوام و غیر قابل انتقال بودن حق منافات ندارد؛ زیرا آن چه غیر قابل واگذاری است خود حق است نه اجرای حق. نکته مهم دیگر این که در قوانینی که حق افشای اثر یا حق اجازه نشر پیوند خورده است؛ به این معنی که با واگذاری حق اولین نشر اختیار افشای اثر در دست دیگری قرار می گیرد، خود به خود حق افشای اثر به لحاظ اجرا، دارای محدودیت زمانی می شود، حال آن که حق مصونیت از نقض امانت یک حق دائمی است.

حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده

به موجب این حق پدیدآورنده می تواند انتشار اثر را با نام و عنوان خود بخواهد یا این که انتشار اثر بدون نام یا با نام مستعار را طلب کند. ماده ۱۸ قانون حمایت حقوق مولفان در این خصوص مقرر می دارد:

انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، همراه اثر یا روی نسخه یا نسخه های چاپی یا تکثیر به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

بنابراین که حق حرمت نام و عنوان به رسمیت شناخته شود می توان گفت اگر مولف برای اثر خود نام مستعار انتخاب کرده باشد، به استناد حق حرمت نام هرگاه که بخواهد می تواند نام واقعی خود را آشکار سازد. حق تمامیت اثر مهم ترین حقوق معنوی و اخلاقی است. بر اساس این حق هیچ کس نمی تواند یک اثر یا هنری را بدون موافقت پدید آورنده تغییر دهد، هرچند تغییر اندک باشد.

منظور از رفتار در این ماده عبارت است از هرگونه اضافه، حذف یا تغییر یا اقتباس از کار اما اموری از قبیل ترجمه اثر ادبی تغییر محسوب نمی شود.

حق عدول

بر اساس این حق، علی رغم قرارداد و وجود حق بهره برداری از اثر دیگری و حتی پس از انتشار اثر توسط ناشر، پدیدآورنده حق دارد از تصمیم خود عدول کند و استرداد اثر را طلب کند. اما از آنجا که بر اساس قرارداد، برای طرف قرارداد حقی به وجود آمده است، پدیدآورنده باید زیان ناشی از عدول خود را به ناشر بپردازد.

حق دسترسی به اثر

بر اساس این حق پدیدآورنده می تواند به دست نوشته خود دسترسی یافته یا از آن کپی تهیه نماید؛ البته در صورتی که کپی برداری موجب ضرر دارنده محسوب نگردد و یا منافع مشروع او تنافی نداشته باشد.

مدت حمایت از حقوق مادی و معنوی اثر

همه ی قوانین بر این نکته اذعان دارند که حقوق اقتصادی مولف در دوران زندگی و مدتی پس از مرگ او مورد حمایت قرار گیرند. این بدان معناست که مولف یک اثر می تواند مطمئن باشد که حقوق او در مورد اثرش در طول دوران زندگی اش، هرچقدر هم که طولانی باشد، تضمین شده است. گرایش های اخیر در حوزه قانون کپی رایت بیشتر به سمت دوران های حمایتی بین ۲۵ تا ۵۰ سال پس از مرگ مولف بوده است، اگر چه برخی قوانین دوره های طولانی تر و یا کوتاه تری نیز در نظر گرفته اند. قوانین کپی رایت این تضمین را نیز به مولف می دهد که وارثان او هم از برخی قوانین، دوره حمایت پس از مرگ نویسنده، تا زمان حیات همسر او به طول خواهد انجامید. در پاره ای موارد، قوانین مبسوطی در ارتباط با وضعیت فرزندان مولف یا جانشینان او در خصوص برخی از حقوق خاص وضع می شود.

یکی از ویژگی های حقوق مادی پدیدآورنده، موقتی بودن بهره مندی مالی و اقتصادی از نتایج تلاش های فکری است. قانون گذار ایرانی با پذیرش این ویژگی، مدت های خاصی را برای حمایت از آثار ادبی، هنری و نرم افزاری پیش بینی کرده است. مدت زمان حمایت از حقوق معنوی اثر بدون مدت و بدون احتساب زمان و مکان است.

منظور از مدت حمایت، مدت زمانی است که مقنن از حقوق پدیدآورنده یا صاحبان حقوق مادی نسبت به نتایج مادی آثارش حمایت می کند و در صورت لزوم ضمانت اجراهای مدنی و کیفری برای نقض حقوق مادی پیش بینی می کند. به طور مثال ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) مقرر می دارد:

« مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده ۳۰ سال است و اگر مورثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت در اختیار وزارت فرهنگ و هنر (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) قرار خواهد گرفت. »

در ارزیابی مدت حمایت در حقوق ایران می توان گفت که در مقایسه با سایر نظام های حق مولف، مدت ۳۰ سال، مدت کوتاهی است. بند ۱ ماده ۷ «کنوانسیون برن» این مدت را تمام عمر مولف و ۵۰ سال پس از مرگ وی مقرر می کند. مطابق دستورالعمل اروپایی (۲۹ اکتبر ۱۹۹۳) راجع به هماهنگ سازی مدت حمایت از حق مولف و حقوق جانبی این مدت را ۷۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده به اعلام کرده است.

مستثنیات کپی رایت

حقوق مادی پدیدآورنده به شرحی که پیش تر گفته شد در نظام حق مولف از جمله در حقوق ایران، هم چنین در نظام کپی رایت استثنایی پذیرفته است. منظور از مستثنیات حقوق مادی این است که علی رغم حقوق انحصاری پدیدآورنده نسبت به آثار خویش، بهره مندی از اثر در برخی موارد نیاز به کسب اجازه پدیدآورنده ندارد. هدف از این محدودیت ها و مستثنیات، برقراری تعادل بین حقوق پدیدآورندگان محصولات فرهنگی از یک سو و حق دسترسی عموم به اطلاعات، فرهنگ و هنر از سوی دیگر

است. چنین برداشتی از محدودیت ها و مستثنیات حقوق مادی با عنایت به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ میلادی تایید می شود.

۱- نقل قول برای تأمین مقاصد علمی، فنی آموزشی

ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸، در این خصوص مقرر می دارد:

«نقل اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها برای مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر ماخذ و در حدود متعارف مجاز است.»
با توجه به این ماده، نقل قول از اثر در صورت رعایت شرایطی نیاز به اجازه پدیدآورنده ندارد.

۲- اثر در ایران منتشر شده باشد

همان طور که گفته شد یکی از ابعاد حقوق معنوی پدیدآورنده حق افشای اثر است. این پدیدآورنده است که در خصوص افشا و انتشار اثر و زمان و چگونگی آن تصمیم می گیرد. بنابراین قبل از انتشار اثر هرگونه بهره برداری از اثر با حق معنوی پدیدآورنده در تعارض خواهد بود.

۳- نقل قول از اثر باید با ذکر ماخذ آن صورت گیرد

هدف از این شرط حفظ حقوق معنوی پدیدآورنده از حیث نام و عنوان اوست. به عبارت دیگر حق پدیدآورنده نسبت به نام و سمت خود ایجاب می کند که نقل قول با ذکر منبع ماخذ اثر صورت گیرد. با این حال، تبصره ماده ۷ پیش گفته در این مورد یک استثنا قایل شده است. به موجب این تبصره:

«ذکر ماخذ در مورد جزوه هایی که برای تدریس در موسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می شود الزامی نیست مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد»

۴- نقل قول باید در حدود متعارف باشد

منظور از این شرط این است که بهره برداری مادی از اثر به صورت نقل قول به گونه ای نباشد که نوعی تکثیر اثر را موجب شود و حقوق مادی پدیدآورنده را مورد تهدید قرار دهد.

➤ تعریف حقوق تبلیغات بازرگانی

حقوق تبلیغات تجاری (بازرگانی) مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر محتوا، تولید و پخش تبلیغات بازرگانی حکومت می کند و امتیازها و مسئولیت های صاحبان کالا یا خدمات «سفارش دهنده» موسسات، کانون آگهی و تبلیغات «تولید کننده» رسانه ها «توزیع کننده» را تعیین می کند.

اصول حاکم بر فعالیت ماهواره ها در فضای ماورای جو

تا قبل از دستیابی بشر به فضای ماورای جو، وضعیت حقوقی فعالیت های انسانی در فضا، بیشتر امری فرضی و تخیلی قلمداد می شد تا واقعیتی عملی. در ۴ اکتبر ۱۹۵۷ هنگامی که روسیه نخستین قمر مصنوعی (اسپوتنیک ۱) را به فضا پرتاب کرد این تخیلات جامه واقعیت پوشید. امریکا نیز برای عقب نماندن از رقیب دیرینه خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۵۸ قمر مصنوعی خود را به فضا فرستاد. با ارسال اولین ماهواره مخابراتی (تله استار) به مدار در سال ۱۹۶۲ به تدریج ماهواره ها به یکی از مهم ترین وسایل ارتباط بین المللی مبدل شدند.

فعالیت دولت ها در فضای ماورای جو که از اوایل دهه ۶۰ سیر صعودی به خود گرفت؛ لزوم قاعده مند ساختن این فعالیت ها را بیش از پیش جلوه گر ساخت به طوری که ایجاب می کرد مرجعی جهانی در این عرصه وارد عمل شود. در همین راستا یک ماه بعد از پرتاب نخستین قمر مصنوعی به فضا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعنامه شماره ۱۱۴۸ مورخ نوامبر ۱۹۵۷) ضمن یادآوری خطرات ناشی از به کارگیری فضا برای مقاصد نظامی، اعلام کرد که فرستادن اشیا به فضا صرفاً به مقاصد مسالمت آمیز صورت خواهد گرفت. یک سال بعد، این مجمع طی قطعنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۵۸ تاسیس کمیته ویژه مربوط به استفاده های مسالمت آمیز از فضای ماورای جو (کوپپوس) را پیش بینی کرد. (Committee on the peaceful uses of outer space)

اصول حقوقی حاکم بر فعالیت ماهواره ها در فضای ماورای جو

معاهده مربوط به اصول حاکم بر فعالیت های دولت ها در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو از جمله کره ماه و دیگر اجرام سماوی که به «منشور فضای ماورای جو» معروف شده، سه اصل کلی را بر فعالیت دولت ها در کاوش و استفاده از ماورای جو حاکم می داند که این سه اصل عبارتند از:

۱- آزادی فضا ۲- تصاحب و تملک فضا ۳- استفاده صلح آمیز از فضا.

۱- آزادی فضا

بر اساس ماده یک معاهده فضا، کاوش فضای ماورای جو و استفاده از آن باید به صلاح و سود کلیه دولت ها صورت گیرد و همه دولت ها می توانند آزادانه و بدون هیچ تبعیضی در شرایط مساوی و طبق حقوق بین الملل از آن بهره مند شوند.

ماده یک معاهده مذکور در کنار اصل آزادی کاوش و استفاده، از برابری و آزادی دستیابی به تمام اجرام سماوی سخن رانده است.

۲- عدم تصاحب و تملک فضا

بر اساس ماده ۲ معاهده فضا دولت ها مجاز نخواهند بود از راه اعلام حاکمیت، استفاده و اشغال فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام سماوی را تحت حاکمیت خود قرار دهند یا بر آن اعمال حاکمیت نمایند.

معاهده ۱۹۶۷ در مقدمه و ماده یک به صراحت مقرر می دارد که فضای ماورای جو به نفع مشترک تمام بشریت استفاده می شود و این منطقه، حوزه کل بشریت و به تعبیر دقیق تر، میراث مشترک بشریت است. بنابراین قدرت های فضایی به صرف دست یازیدن به منابع موجود در اجرام آسمانی، حق مالکیت شخصی تحصیل نمی کنند که بتوانند از لحاظ حقوقی در آن منابع تصرف کنند.

۳- استفاده صلح آمیز از فضا

از آغاز سیر تحول نظام حقوقی فضا بر ضرورت غیرنظامی بودن فضا تاکید زیادی شده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد استفاده صرفا صلح آمیز از فضا را از همان سال ۱۹۵۷ که نخستین قمر مصنوعی به فضا فرستاده شد مورد توجه قرار داد و سپس در قطعنامه های بعدی بارها بر آن تاکید نمود. معاهده ۱۹۶۳ مسکو که به ابتکار شوروی سابق و امریکا تنظیم شد و اکثریت دولت ها به آن ملحق شده اند، آزمایش های هسته ای را در فضا، فضای ماورای جو و زیر آب تحریم می کند. در چارچوب معاهده ۱۹۶۷ نیز دولت های طرف معاهده طبق ماده ۳ متعهد شده اند کلیه فعالیت ها در امر کاوش و استفاده از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی طبق حقوق بین الملل و منشور ملل متحد به منظور حفظ صلح و امنیت و توسعه هم کاری و تفاهم بین المللی صورت گیرد.

مهران صفاری پژوه

۱۳۹۲/۱۰/۵